

آیین پروتستان و فمینیسم^۱

سیتیا ال. ریگی*

ترجمه: اشرف هاشمی**، مهدی لکزایی***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱]

چکیده

از زمان نهضت اصلاحات دینی، متفکران فمینیست پروتستان، صدای اعتراضشان را بلند کرده‌اند. آنها به عنوان مؤمنان راستین دین مسیح، ضمن اشاره به اصول اعتقادی پروتستان، خواستار شرکت دادن زنان در کلیه حوزه‌های زندگی شده‌اند. این متفکران، عاشق این سنت بوده‌اند، از آن انتقاد کرده‌اند و در شکل‌گیری اش سهیم بوده‌اند. در بررسی رابطه فمینیسم و تاریخچه آیین پروتستان، جنبش‌ها و اشخاصی که هدفشان ارتقای انسانیت کامل زنان یا شکوفایی آنان بوده است بررسی می‌شوند. طبق نظر فمینیست‌های پروتستان، پیشرفت واقعی و نمود در این جهان، صرفاً زمانی میسر است که خلقت برابر زنان در تصور خدا عملاً و نظراً تأیید شود. اعتقادات پروتستان‌ها راجع به ویژگی آفرینندگی خداوند، اساس تلاش برای پذیرش زنان به عنوان مبلغ، رأی‌دهنده و اعضای منصوب‌شده کلیسا را شکل می‌دهد. در این بخش پس از مطرح کردن گزارشی تاریخی، متون، موضوعات و اشخاص برجسته دوران اخیر را بررسی می‌کنیم و در آخر با به تصویر کشیدن آینده، رابطه بین فمینیسم و آیین پروتستان را بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: آیین پروتستان، اصلاحات دینی، فمینیسم، کتاب مقدس.

۱. برگردان از:

Cynthia L. Rigby (2004). "Protestantism and Feminism", in: *The Blackwell Companion to Protestantism*, Edited by: Alister E. McGrath & Darren C. Marks, Blackwell Publishing Ltd.

* دانشیار الاهیات، مدرسه الاهیات شهر آستین، ایالت تگزاس آمریکا

** دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

andishehashemi@hoda.miu.ac.ir

*** استادیار گروه ادیان شرق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران lakzaei@urd.ac.ir

گزارش تاریخی

گرچه تا قرن نوزدهم واژه «فمینیست» ظهور نکرد، اما محققان فمینیست اشخاص و خطوط فکری خاصی را، عمدتاً پیش از این تاریخ، به عنوان فمینیست معرفی کردند. به طور کلی، برای بررسی رابطه فمینیسم و تاریخچه آیین پروتستان نیاز به مطالعه درباره جنبش‌ها و اشخاصی است که هدفشان ارتقای انسانیت کامل زنان یا شکوفایی‌شان^۱ بوده است. فمینیست‌های پروتستان معتقدند فقط زمانی که خلقت برابر زنان در تصور خدا عملاً و نظراً تأیید شود آنها می‌توانند پیشرفت کنند و در واقعیت حقیقی، فیزیکی و این جهانی نمود یابند. از نظر تاریخی و ادبیاتی، اعتقادات پروتستان‌ها درباره ویژگی آفرینندگی خداوند، شالوده تلاش برای پذیرش زنان به عنوان مبلغ، رأی‌دهنده و اعضای منصوب‌شده کلیسا را شکل می‌دهد.

فمینیسم و نهضت اصلاحات دینی^۲

نظام اعتقادی جنبش اصلاحات دینی، به دلیل تقویت اهداف فمینیستی تحسین شده و در عین حال به علت مخالفت در برابر آن با انتقاد فمینیست‌ها مواجه شده است. معمولاً آن بخش از تعالیم اصلاحات دینی که راجع به «نظام آفرینش» بوده و برتری مردان بر زنان را توجیه می‌کند با انتقاد جدی روبه‌رو شده است.^۳ هم کالون (Calvin)^۴ و هم لوتر (Luther)^۵ معتقدند اگرچه زنان در تصویر خداوند آفرینش یکسانی دارند اما خلقت حوا پس از آدم نشان می‌دهد که رابطه او با آدم، رابطه فرودستی است. لوتر و کالون به ما اطمینان می‌دهند که پیش از هبوط، تبعیت زنان از مردان رنجشی به دنبال نداشته است. آنها می‌گویند کوشش زنان برای تسلیم‌بودن در برابر شوهرانشان و پذیرش نقش محدودتر در کلیسا و جامعه نه به واسطه ضرورتی که خداوند در ابتدا تعیین کرده، بلکه به علت هبوط است. چون حوا با دادن پیشنهاد میوه به آدم نقش فرودستی خود را نقض می‌کند، از آن زمان رابطه میان مرد و زن تیره‌تر می‌شود. در پرتو چنین خوانشی از داستان آفرینش، لوتر و کالون به زنان توصیه می‌کنند به خاطر داشته باشند نقش آنان از طرف خدا معین شده و باید هر نوع رنج مرتبط با آن را با تواضع تحمل کنند و به عنوان پیامد گناه خود بپذیرند.^۶

دلایل فمینیست‌های پروتستان در رد فرودستی زنان

فمینیست‌های پروتستان در طول قرن‌ها حداقل به چهار دلیل اصول اصلاح‌طلبان در این باره را که فرودستی زنان بنا به خواست خداوند است، رد کرده‌اند:

الف. آنها نوعی برابری بنیادی را در داستان اولیه آفرینش بین آدم و حوا مشاهده می‌کنند (سفر پیدایش ۱).

ب. آنها معتقدند مسیح برای نجات ما از عواقب این هبوط، از جمله ستم زنان بر مردان، آمده است.

ج. به نظر آنان، این استدلال که زنان به دلیل خلقت حوا پس از آدم، زیردست مردان شده‌اند احمقانه است، چراکه با این استدلال آدم نیز باید زیردست تمام پستاندارانی قرار گیرد که بعد از او آفریده شده‌اند.

د. فمینیست‌های پروتستان فرودستی زنان را به عنوان موهبت مقدرشده الهی یا تنبیه مقدرشده الهی قبول ندارند، زیرا معتقدند چنین ادعایی هم شخصیت خدا را بد جلوه می‌دهد و هم برابری کامل انسان‌ها را در برابر تصویر خداوند تحت الشعاع قرار می‌دهد.

الاهی‌دان آفریقایی، کوئیز تاپا (Kuisse Tappa) معتقد است تا وقتی راجع به خدا این اعتقاد را داشته و در خود بیروانیم که این، خدا است که از آغاز خلقت، انسانی را فرودست انسان دیگری آفریده است رهایی و آزادی ممکن نخواهد بود» (Tappa, 1988: 31).

این اظهارات بیانگر مخالفت صریح و هشیارانه با اصول کالون و لوتر درباره زیردستی زنان است. اما مهم این است که متفکران فمینیست پروتستان سریعاً همه آموزه‌های اصلاحات دینی را رد نکرده‌اند، بلکه بسیاری از دیدگاه‌های آنان را در بسط‌دادن انتقاد خود از انسان‌شناسی جنبش اصلاحات دینی استفاده کرده‌اند. این اندیشمندان فمینیست علاوه بر اینکه با استناد به اصلاحات دینی که می‌گوید «کلیسا همیشه روند اصلاح‌شدن را طی می‌کند» بر تغییر نقش زنان در کلیسا و جامعه تأکید، و در آثارشان به مسئله تأکید نهضت اصلاحات بر کشیش‌بودن همه دینداران، ازدواج و فقط کتاب مقدس (Sola Scriptura)^۷ اشاره می‌کنند.

جایگاه کلیسا از نگاه لوتر

تأکید آیین پروتستان بر «کشیش بودن همه دینداران» مؤید این حکم است که زنان در کلیسای مسیح، مشارکت کامل دارند. کانون پیام نهضت اصلاح طلبان پروتستان، انتقاد از روحانیان پاپ است. بخش چشمگیری از ۹۵ رساله لوتر به محکوم کردن بوروکراسی کلیسا اختصاص دارد. اصلاح طلبان عقیده داشتند چنین نیست که افراد دیندار برای برقراری رابطه مستقیم با خدا نیازی به میانجی‌گری کشیش یا انجمنی داشته باشند. لوتر آموزش داد که در جامعه‌ای مسیحی، هر یک از ما همان اندازه که تأثیر مسیح را بر یکدیگر می‌پذیریم، می‌توانیم همانند کشیش برای هم عمل کنیم. به همین ترتیب، کالون هم از همه مسیحیان می‌خواهد دعوت به کشیش بودن را بپذیرند و با دعا برای یکدیگر در نمازشان و اعتراف به این حقیقت که عیسی مسیح واسطه بین خدا و بشر است و با انجام دادن کارهای محبت‌آمیز مانند کشیشان عمل کنند.

لوتر و کالون با عقیده جایگاه برتر کشیش منصوب شده در برابر خدا موافق نبودند و عقیده داشتند بر اساس کتاب مقدس، خداوند همه افراد را به یکسان به وظیفه خاص خودشان فرا می‌خواند. از کشیشی که برای گروهی موعظه می‌کند، کارگری که در مزرعه کار می‌کند، پدری که فرزند کوچکش را عوض می‌کند، از همه اینها خواسته می‌شود در کارهایشان خداوند را تجلیل و تکریم کنند.^۱

فمینیست‌ها از جمله کسانی هستند که معتقدند کسانی که در رأس قدرت‌اند اصول شریعت را به‌کرات به صورت ابزاری برای مجبور کردن زنان و گروه‌های اقلیت به کار گرفته‌اند تا آنها با خرسندی کارها و وظایف پست و حقیرانه را بپذیرند. اما در عین حال شریعت کاربرد مناسبی نیز داشته و برای تصدیق دین در زندگی روزمره زنان و مردان به کار رفته است. طبق نظر بلایسدل (Blaisdell) (اصول کار مسیحیت) «برای زنان طبقه متوسط شهری» قرن شانزدهم به کار گرفته شد، چراکه «باعث حمایت ... و تکریم ... زندگی فعالانه آنها در امر تجارت، تخصص‌های صنعتگری و خانه می‌شد» (Blaisdell, 1985: 34).

ازدواج همچون وظیفه

در این وضعیت کشیش شدن همگانی، ازدواج نیز نزد خدا به اندازه مجرد ارزش پیدا کرد. مواجهه لوتر و کالون با مسئله ازدواج در مقایسه با درک متألهان پیشین، مجالی برای تأمل درباره رابطه زن و شوهر به مثابه شراکت - شراکتی هرچند نابرابر - فراهم کرد. ارتقای جایگاه ازدواج نعمتی چندگانه بود. بنا بر گفته رزمی ردفورد روئیتز (Rosemary Radford Ruether) اصلاح طلبان دین از یک طرف تأکید می‌کردند که هدف اصلی ازدواج، همراهی است نه تولیدمثل، و از طرف دیگر، اهمیت دادن پروتستان‌ها به ازدواج به این معنا بود که زنان جدا از ازدواج موقعیتی دینی را از دست می‌دادند. از منظر اجتماعی، جامعه فقط انتظار و خواسته‌ای پذیرفتنی از آنها داشت: «زن و مادر باشند» و رابطه فرودستانه‌ای با شوهرانشان داشته باشند (Ruether, 1998: 116). با این حال بسیاری از زنان، مانند الیزابت اهل لیواردن (Elizabeth of Leewarden) که آناباپتیست^۹ بود، به دنبال علاقه به ترویج پیام انجیل، «خود را در جایگاه رهبری قرار می‌دادند». زنان هزینه بسیار برای ترک حوزه‌های ممنوعه‌شان پرداخت کردند. مثلاً لیواردن در سال ۱۵۴۹ به شهادت رسید (Sprunger, 1985).

فقط کتاب مقدس

زنان و همچنین مردان، همانند کشیشان معتقد به مسیح، تشویق شدند تا کتاب مقدس را برای خودشان بخوانند، و بررسی و ارزیابی کنند. اصلاح طلبان دین با این اعتقاد که همه دینداران همانند کشیش‌اند، تأکید داشتند که خواندن کتاب مقدس نباید فقط مختص راهبان باشد. هرچند لوتر و کالون قطعاً طرفدار خوانش‌های دلخواهانه فردی نبودند و توصیه می‌کردند برای این کار از عالمان کلیسا کمک گرفته شود و در قبال جامعه قدیسان مسئولیت‌پذیر باشند. آنها بر حسب عادت، دینداران را ترغیب می‌کردند تا کتاب مقدس را بررسی دست اول کنند. مثلاً کالون در مقدمه کتابش *نهادهای دین مسیح (The Institutes of the Christian)* توضیح می‌دهد که هدف از این کتاب کمک به خوانندگان در خوانش کتاب مقدس بوده است تا آنها را راهنمایی و کمک کند که بتوانند آنچه را خدا قصد داشته است

با کلام خود به ما آموزش دهد، درک کنند (Calvin, 1960: 6). وی مقدمه خود را با ترغیب و تهییج خوانندگان به ارزیابی کتاب او از طریق کتاب‌های مقدس‌شان به پایان می‌رساند (Ibid.: 8).

اندیشه‌های فمینیستی پروتستان در بافتی که این اصل «فقط کتاب مقدس» حاکم و جاری بود، پدید آمد و پرورش یافت. تأکید پروتستان‌ها بر خواندن کتاب مقدس به زبان مادری و آموزش انجیل و تعالیم مذهبی به کودکان در خانه باعث شد برای زنان هم فرصت و هم انگیزه مطالعه و حفظ کتاب مقدس فراهم شود (نک: Blaisdell, 1985: 21-8). گرچه نخستین متفکران فمینیست پروتستان به‌ندرت با تعابیر مردسالارانه کتاب مقدس مشکل داشتند اما با زیرکی، با استناد به دیگر تعالیم الهیاتی و کتاب مقدس، شروع به طفره‌رفتن از سکوت و پیروی توصیه‌شده، کردند. ^{۱۰} مثلاً، آرگیولا فان گرومباخ (Argula von Grumbach) در نامه‌ای در سال ۱۵۲۳ پذیرفت که حکم پولس مبنی بر ساکت ماندن زنان در کلیسا به وی این اجازه را نمی‌دهد تا بتواند به عضویت هیئت علمی دانشگاه اینگولشتات (Ingolstadt) درآید که به عقیده وی رفتار درستی نیست. البته «استدلال می‌کرد وقتی هیچ مردی نتواند یا نخواهد صحبت کند من این کلام مسیح را به خاطر می‌آورم که می‌گفت کسی که در روی زمین به من اعتراف کند، من او را انکار خواهم کرد». وی برای توضیح بیشتر می‌گوید او «از کلام اشعیای نبی آرامش می‌یابد: ... من برای شما فرزندان می‌فرستم تا شاه‌زاده‌های شما باشند و زنانی تا حاکمان شما». در آخر او تأکید می‌کند که خواسته او نمونه‌ای از «داد و فریاد زنان نیست بلکه کلام خدا است» (Douglass, 1985: 97).

نمونه دیگر زنی که با خوانش کتاب مقدس به سمت رفتار مخالف کلیسا کشیده شد، ماریه دن‌تایر (Marie Dentiere) است که هم‌زمان با کالون در ژنو زندگی می‌کرد. داگلاس می‌گوید دن‌تایر احساس می‌کرد فرا خوانده شده تا بخواند و صحبت کند، با اطمینان کامل به این مسئله که این کارها از طرف یک زن را نه کلیسا تأیید می‌کند و نه فرهنگ، زیرا «او آموزه اصلاح‌شده دینی آزادی مسیحی را بسیار درونی کرده و از این‌رو خود را از منظر کتاب مقدس نمونه آزادی‌بخش خداوند در تاریخ قرار داده است» (Douglass, 1985: 102).

به گفته دن تایلر: «اگر خداوند به برخی زنان خوب موهبتی عطا کرده و از طریق کتب مقدس خود امر خوب و مقدسی را برای آنها آشکار ساخته، آیا آنها جرئت نوشتن، صحبت یا بیان این مطالب را با یکدیگر ندارند؟» (Ibid.: 104).

بسیاری از زنان با خواندن و تفسیر کتاب مقدس، متقاعد شدند که پارادایم‌های مردسالارانه‌ای که زنان را زیردست مردان می‌کند در کتاب مقدس موجود نیست. فمینیست‌ها که به دعوت نهضت اصلاح‌طلبان دینی کتاب مقدس را نقادانه مطالعه می‌کردند قرن‌ها بعد نه تنها به ارزیابی تفاسیر مردسالارانه کتاب مقدس ادامه دادند، بلکه ویژگی مردسالارانه خود متن کتاب مقدس را نیز بررسی کردند. پرسش متداول فمینیست‌های پروتستان معتقد به اصل «فقط کتاب مقدس»، این است که: چطور ما به عنوان زن می‌توانیم کتاب مقدسی را بخوانیم که هم‌زمان هم راه‌های آزادی و هم راه‌های ظلم بر ما را تأیید می‌کند؟^{۱۱}

قرن‌های هفدهم و هجدهم

تا اواسط قرن هفدهم، بسیاری از زنانی که در جنبش غیرهمنوا (با کلیسا) (Nonconformist)^{۱۲} فعال بودند به کارهای «چاپ، نگارش، و ترجمه آثار دینی پرداختند» (Greaves, 1985: 83). در جایی که زنان اجازه نداشتند تدریس یا تبلیغ کنند و به‌ندرت امکان هر گونه شرکت در اداره کلیسا را داشتند،^{۱۳} کار بر روی متون نوشتاری، ابزاری مخفیانه برای خدمت‌آداری و مشارکتی محسوب می‌شد. هرچند جامعه، زنانی را که علناً صحبت می‌کردند تحقیر و مسخره می‌کرد و می‌ترساند (Ludlow, 1985: 99) اما تعدادی از آنان «مبلغان کوچکی» (Petticoat Preachers) بودند (Ibid.: 95) و معروف‌ترین آنها هم خانم آنه هاچینسون (Anne Huchinson) بود (Ibid.: 95). او متولد انگلستان بود که به امریکا مهاجرت کرد و سرانجام از ماساچوست، هم به این دلیل که تعالیمش بدعت‌آمیز خوانده شد و هم بدین جهت که او به عنوان یک زن مشغول تعلیم شده بود، تبعید شد. به او گفته شده بود که «ترجیح می‌دهند شوهر باشد نه زن؛ مبلّغ باشد نه شنونده و کلانتر به شمار آید نه شهروند» (Bednarowski, 1993: 68, citing Hall, 1968: 382-3).

پس از بازگشت به انگلستان فعالیت‌های زنان (از جمله سخنرانی عمومی، پیش‌گویی و دادخواهی علیه جمع‌آوری سستی مالیات از طرف کلیسا) باعث شد او دادخواستی را به سبب «اعمال سرکوبگرانه» به پارلمان بدهد (Ludlow, 1985: 93-4). برخی مورخان معتقدند نوسان فعالیت‌های انقلابی زنان در طول این دوره به دلیل تأثیر مستقیم آموزه‌ها و روحیه اصلاح‌طلبی بود که غیرمستقیم با ارزش نهادن به زنان در مقام همسر و مادر، از ورودشان به حوزه عمومی استقبال کرد (Ibid.: 94).

قرن هجدهم شاهد تولد انجمن‌های داوطلبانه در آمریکا بود. زنان پروتستان با شرکت در این انجمن‌ها، به دنبال احیاشدن بودند و به عنوان رهبران روحانی شناخته شدند (Moran, 1985: 126; Scott, 1993). به مرور زمان «زهد زانه» برای سلامت کلیسا ضروری شناخته شد، اما طبق خرد جمعی، فقط زمانی زهد زانه تقویت می‌شود که زنان در حوزه مخصوص خود نگره داشته شوند و جنبه «تاریک‌تر» حواگونه خود را که مستعد فریب‌کاری است، مهار کنند (Moran, 1985: 129).

جنبش حق رأی و قرن نوزدهم

فمینیسم امریکایی قرن نوزدهم به‌درستی «زیرک» خوانده شده است (Huber, 1993: 173). حتماً کسانی که مخالف حق رأی زنان بودند با استدلال‌های خلاقه الیزابت کیدی استنتن (Elizabeth Cady Stanton)، سارا گریمکی (Sarah Grimke)، و سوژورنر تروث (Sojourner Truth) قانع شدند. آنها پذیرفتند که زنان معنوی‌تر از مردان هستند؛ و دقیقاً به همین دلیل باید حق رأی داشته باشند. تروث از جمله کسانی است که از این عقیده عمومی که زنان همانند حوا ذاتاً فریب‌کارند، تفسیر دوباره‌ای مطرح کرد. وی گفت: «اگر اولین زنی که خدا خلق کرده آن‌قدر قوی بوده که توانسته به‌تنهایی دنیا را واژگون کند پس این زنان باید بتوانند با کمک یکدیگر آن را دوباره به جای خود برگردانده و سر پا کنند!»^{۱۴}

هرچند این بیشتر دغدغه فمینیسم سکولار است اما جنبش حق رأی قرن نوزدهم نشان می‌دهد که جنبش فمینیسم در واقع، با الاهیات فمینیستی آغاز شده و به حرکت درآمده است. زنان و مردان پروتستان که برای حق رأی زنان فعالیت می‌کردند (همچنین، اصلاحات

دیگری مانند حق زنان برای سقط جنین و خویش‌داری) برای تأیید قوانین خود، تفاسیر قاطعی از کتاب مقدس مطرح کردند. سارا گریمکی تأکید می‌کند وقتی مسیح فرمود: «خود را دست کم نگیرید» در حال صحبت با مردان و زنان، هر دو با هم، بود. مخالفت با حق رأی زنان به‌وضوح به معنای ممانعت از اجرای حکم عیسی مسیح است.^{۱۰} با این حال فمینیست‌های پروتستان قرن نوزدهم صرفاً به این علت که از (علل) حق رأی، سقط جنین و خویش‌داری حمایت می‌کردند، از مضامین و درون‌مایه‌های دینی استفاده نکردند. برعکس، این زنان برای آنچه بدان اعتقاد داشتند فعالیت کردند، زیرا به نظر آنان «انگیزه دینی، اساس هستی آنان» بود (Gifford, 1993: 183).

تأثیر کتاب مقدس زنان، اثر کیدی استنتن بر جنبش فمینیسم

یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های مشترک آیین پروتستان و فمینیسم در این دوره، انتشار کتاب مقدس زنان (*The Women's Bible*) بود که الیزابت کیدی استنتن آن را ویراستاری کرد. کتاب مقدس زنان، تفاسیر نقادانه‌ای از بخش‌هایی از کتاب مقدس پیش کشید که درباره زنان و نقش آنها است. ضمیمه این کتاب شامل پاسخ‌های گوناگون به دو پرسشی است که استنتن مطرح کرده است: (۱) «آیا تعالیم کتاب مقدس باعث پیشرفت یا تأخیر در آزادی زنان شده است؟» و (۲) «آیا این تعالیم، شأن و منزلت مادران نژاد بشر را ارتقا یا تنزل داده است؟» (Stanton, [1895] 1993: 185). استنتن قصد داشت زنان را به تأمل ژرف درباره راه‌هایی دعوت کند که در آن مسیحیت پروتستان با مشغول‌کردن آنان به خواندن متون حساب‌شده کتاب مقدس، مانع شده بود.

به سوی قرن بیستم

کمتر از نیم دهه بعد از حق رأی زنان (در ۱۹۱۸) دوره مهم دیگری در روابط بین آیین پروتستان و فمینیسم در ایالات متحده آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم، فشار اجتماعی شدیدی به زنان وارد شد تا نیروی کاری را که به طور موفقیت‌آمیز در زمان جنگ بر عهده داشتند، ترک کنند و به حوزه خانگی‌شان باز گردند. کلیساهای پروتستان عموماً زنان را تشویق می‌کردند تا ابتدا خود را همسر و مادر بدانند. در عین حال، تا دهه ۱۹۵۰ بسیاری از

کلیساهای اصلی پروتستان به توانایی و استعداد زنان پی برده و فعالانه شروع به منصوب کردن آنان به عنوان کشیش موعظه‌گر و کشیش مراسم نان و شراب کردند. پروتستان‌ها به منظور جلوگیری از به خطر افتادن این حکم پروتستانی که کتاب مقدس «معیاردهنده معیارها» (Norming norm) در دین مسیح است، دائم برای زمینه‌سازی بخش‌هایی از کتاب مقدس که مانع نقش‌های زنان بود، استدلال‌هایی می‌کردند. هرچند منتقدان راجع به مردسالارانه بودن متون کتاب مقدس به طور کلی، درست مانند استتین قاطع و جدی نبودند، بسیاری از پروتستان‌های قرن بیستم همانند استتین در پی تفاسیر جدیدی بودند تا امکان مشارکت بیشتر زنان را فراهم کنند.

در سال ۱۹۶۰، الاهی‌دان فمینیست یهودی، والرئ سایوینگ (Valerie Saiving) مقاله‌ای منتشر کرد که تأثیر عمیقی بر روی چگونگی درک متفکران فمینیست پروتستان از گناه گذاشت. سایوینگ در مقاله «وضعیت انسان: دیدگاه زنانه» (Human Situation: A Feminine View) (۱۹۷۹) می‌گوید گناه همانند تمام مفاهیم الاهیاتی طبق جایگاه برتر تجربه مردانه توصیف، و به کار گرفته شده است. سایوینگ توضیح می‌دهد مردان معمولاً مرتکب گناه غرور می‌شوند. غرور زمانی درمان می‌شود که فرد بیش از آنچه لازم است، خود را برتر نداند. مشکل اینجا است که زنان معمولاً به آن اندازه که دچار خودملامتگری (Self-deprecation)^{۱۶} یا بی‌ارزش‌دانستن خود می‌شوند، دچار غرور نمی‌شوند. زنان به منظور اصلاح گناه و خودملامتگری نباید خود را دست کم بگیرند، بلکه باید ارزش خود را بشناسند. فمینیست‌های پروتستان از زمان سایوینگ درباره «گناه زنانه» فعالیت‌های بسیار کرده، زنان را تشویق کرده‌اند تا با آگاهی از «پاکی آغازینشان»^{۱۷} یعنی آفرینش خودشان در تصور خداوند، زندگی کنند.

زمینه، موضوعات و شخصیت‌های عصر حاضر

سه ماه آخر قرن بیستم، آثاری که فمینیست‌های کاتولیک و پروتستان روم نوشته بودند رشد چشمگیری داشت. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ آثار الاهیاتی فمینیستی به حدی رسید که برای ارائه در یک کلاس الاهیات فمینیستی کفایت می‌کرد. دوره‌های درسی در رشته الاهیات، اغلب شامل کتاب فراسوی خدای پدر (۱۹۷۳) (Beyond God the Father) اثر مری دیلی (Mary

(Daly)، *آزادی انسان از دیدگاه فمینیست* (۱۹۷۴) (*Human Liberation in a Feminist Perspective*) نوشته لتی راسل (Letty Russel)، *تبعیض جنسی و گفت‌وگوی خدا* (۱۹۸۳) (*Sexism and God-Talk*) نوشته رزمی ردفورد روئیتز (Rosemary Radford Ruether) و در رشته مطالعات کتاب مقدس شامل *خدا و لفاظی درباره جنسیت* (۱۹۷۸) (*God and the Rhetoric of Sexuality*) نوشته فیلیس تریبل (Phyllis Trible) و *به یاد او* (۱۹۹۳) (*In Memory of Her*) اثر الیزابت شوسلر فیورنزا بود. تا اواسط دهه ۱۹۹۰ آثار نوشته‌شده در حوزه الاهیات فمینیستی چنان افزون شد که استادان در انتخاب آنها دچار مشکل شدند.^{۱۸} تا دوران حاضر، بازخوانی فمینیستی از آداب نمازخواندن (از باب نمونه نک: Proctor-Smith, 1990)، ساختار آموزشی الیهاتی (مثلاً نک: Chopp, 1995) و حتی خود جریان فمینیسم (مثلاً نک: Keller, 1986) در ادبیات برجسته بوده است.

نکته در خور توجه این است که رشد ادبیات فمینیستی پروتستان مرهون آثار متعدد محققانی است که مایل نیستند «فمینیست» شناخته شوند. پژوهشگران زنانه‌نگر مانند کیت جنوا کانن (Kate Geneva Cannon) در کتاب *اخلاقیات زنانه‌گر سیاهپوستان* (۱۹۸۸) (*Black Womanist Ethics*) و دلورس ویلیامز (Delores Williams) در کتاب *خواهران در صحرا* (۱۹۹۳) (*Sisters in the Wilderness*)، به موضوعات مرتبط با نژاد و گوناگونی طبقه و همچنین تبعیض جنسی می‌پردازند. متفکران زنانه‌گر از فمینیست‌های سفیدپوست خواسته‌اند روش‌هایی را که آنها در این سیستم، «ستمگران ستم‌دیده» (oppressed oppressors) می‌نامند، شناسایی کنند، مانند رفتار سارا با هاجر (نک: Williams, 1993). فمینیست‌های هیسپانیک (Latina) (آمریکایی اسپانیایی‌الصل) که گاه خود را متألهان موجاریستا (Mujarista) می‌نامیدند مانند الاهی‌دان پروتستان، السا تیمز (Elsa Tamez)، در کتاب *بخشش نعمت* (۲۰۰۳) (*The Amnesty of Grace*) و الاهی‌دان کاتولیک، آدا ماریا ایساسی-دیاز (Ada Maria Isasi-Diaz) در کتاب *در کشمکش* (۱۹۹۳) (*En La Lucha*) بر این نکته تأکید دارند که آنها با بسیاری از فمینیست‌های قفقازی از این جهت متفاوت‌اند که به جامعه و زندگی اجتماعی اهمیت می‌دهند. فمینیست‌های پروتستان در سراسر جهان با زمینه‌های بسیار متفاوت و دیدگاه‌های کاملاً مختلف وارد این گفت‌وگو شده و دیدگاه‌های خود را درباره چگونگی ارتقای

مؤثرتر انسانیت کامل زنانه به اشتراک گذاشته‌اند. این آرا و دیدگاه‌ها، از باب مثال عبارت‌اند از: الاهی‌دان آفریقایی، مرسی ادویوی (۱۹۹۵) (Mercy Oduyoy) در کتاب *دختران آنوا* (*Daughters of Anowa*) و الاهی‌دان آسیایی، چانگ هیون کیونگ (Chung Hyun Kyung) در کتاب *بکوش تا دوباره خورشید باشی* (۱۹۹۰) (*Struggle to Be the Sun Again*).

در الاهیات فمینیستی کنونی، میل به پذیرش بیشتر زنان در جامعه، فراتر از دایره انسان رفته و تمام موجودات حتی خود زمین را هم شامل می‌شود. رزمی ردفورد روئیتز در کتاب *گایا و خدا* (۱۹۹۲) (*Gaia and God*) و سالی مک‌فاگ (Sallie MC Fague) در کتاب *جسم خدا* (۱۹۹۳) (*The Body of God*) می‌گویند لازم است متألهان یهودی و مسیحی مفاهیم «سرپرستی» و «تجسد» را بازبینی کنند. سرپرستی به ما جواز تسلط بر زمین را نمی‌بخشد، بلکه مسئولیت نگه‌داری از آن را می‌دهد؛ در تجسد، خدا نه تنها وارد حالت انسان می‌شود، بلکه به درون قلب آفرینش ورود پیدا می‌کند.

رابطه آیین پروتستان و فمینیسم در آینده

در سال ۱۹۸۳، کلیسای پرسبیتریان (Presbyterian)^{۱۹} (ایالات متحده) «بیان کوتاه ایمان» را به کتاب *اعترافات خود* (*Book of Confessions*) افزود. در تفسیر بند سوم از اعتقادنامه رسولان این بیانیه صراحتاً بیان می‌شود: «همان روح‌القدس، که الهام‌بخش پیامبران و رسولان است ... زنان و مردان را به رهبری کلیسا فرا می‌خواند» (*Book of Confessions, 1994: 276*). هرچند بسیاری از فرقه‌های پروتستان امروزه زنان را در کلیسا منصوب می‌کنند اما اکثر کلیساها در دنیا چنین کاری نمی‌کنند. در حالی که بسیاری از پروتستان‌ها در حمایت از اطاعت متقابل از یکدیگر، زبردست بودن زنان نسبت به مردان را رد می‌کنند اما تعداد بسیاری هنوز هم طرفدار این عقیده اصلاح‌طلبان دینی هستند که زنان می‌توانند هم‌زمان هم صاحب مردان و هم زبردست آنان باشند.^{۲۰} فمینیست‌های پروتستان با رد چنین استدلالی و مغایرت آن با «کشیش بودن همه دینداران» به تلاش خود در جهت برابری کامل ادامه می‌دهند. آنها امیدوارند در آینده با افزایش تعهد در قبال تحقق این برابری، رهبران پروتستان مجبور شوند زنان را در منصب اعتراف بگمارند. فمینیست‌های پروتستان به امید روزی هستند که همه

پروتستان‌ها دست در دست هم در برابر بی‌عدالتی در حق زنان مانند خشونت خانگی، ختنه زنان، دخترکشی و حقوق کمتر زنان نسبت به مردان به ازای کار یکسان اعتراض کنند. در آینده نیز فمینیست‌های پروتستان به مذهب پروتستان فشار می‌آورند تا زنان را بیشتر دخالت دهد. هرچند ازدواج و پس از آن تربیت فرزندان همیشه به عنوان وظیفه تأیید می‌شود، اما احتمال دارد ازدواج همیشه نسبت به دیگر وظایف یا ساختارهای خانواده مزیتی نداشته باشد. مدل‌های خانواده، که اکنون در حال شکل‌گیری است و در آینده نیز ادامه خواهد داشت، عبارت است از: پیوند بین افراد همجنس‌گرا و قبول فرزندخوانده از طرف زوج‌های همجنس‌گرا، زندگی مجردی، زندگی با اعضای درجه یک فرد، زندگی با دوستان، و والدینی که با فرزندان خود و بدون همسر یا پارتنر زندگی می‌کنند. اکثر فمینیست‌های پروتستان از جمله کسانی هستند که اصرار به گنجاندن همه افراد دارند: افراد همجنس‌گرا، افراد پیرو دیگر ادیان و همه موجودات-انسان و غیرانسان- که خداوند آنها را خلق کرده است. بسیاری از پروتستان‌های دیگر با درخواست فمینیست‌ها برای گنجاندن کامل همه موجودات مخالف‌اند و با متون کتاب مقدس که ظاهراً داشتن هویت مسیحی را منوط به خاص بودن فرد می‌داند، مقابله می‌کنند. فمینیست‌های پروتستان در تلاش برای گنجاندن همه، مانند همیشه، متون کتاب مقدس را بازخوانی و تفسیر دوباره می‌کنند.

در آینده بحث رابطه بین مذهب پروتستان و فمینیسم نه تنها الهاماتی را بررسی می‌کند که متفکران فمینیست از سنت پروتستان دریافت کرده‌اند و انتقادهایی را که بر دین پروتستان وارد کرده‌اند، بلکه به چگونگی شکل‌گیری آیین پروتستان از طریق تفکر فمینیستی نیز توجه خواهد کرد. تاکنون تفکر الاهیات فمینیستی بر نحوه عبادت پروتستان‌ها تأثیر گذاشته و دامنه راه‌های رجوع به خدا و تفکر درباره او را گسترش داده است. متألهان فمینیست آنها پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند که به گفت‌وگوهای اصلی پروتستان راه پیدا کرده‌اند: «آیا زندگی مسیحی، در درجه اول، با انکار خود مشخص می‌شود؟ آیا رویکردهای غیرخشونت‌آمیزی برای درک صلیب وجود دارد؟» (مثلاً نک.: Brock & Parker, 2001) و «در مناسبات جامعه مسیحی که تصویر سه‌گانه، و برابری طلبانه خدا را منعکس می‌کند، ویژگی روابط قدرت چیست؟».

زمانی می‌رسد که دیگر نیازی به بیان رابطه بین پروتستان و فمینیسم به شکل کنونی وجود ندارد. امید است پروتستان تا آن اندازه به اهداف فمینیسم متعهد باشد که تعبیر «فمینیست پروتستان» کاربردی نداشته و اضافی باشد. البته این بدان معنا نیست که همه پروتستان‌ها به یکباره در تمام مسائل جدلی با هم به توافق می‌رسند. بلکه به این معنا است که همه به این باور می‌رسند که از منظر انجیل، تلاش برای انسانیت کامل همه افراد، گزینشی نیست. در ضمن، این گامی رو به جلو است که «فمینیسم» را نسبت به پروتستان، بیگانه‌ای ندانیم که از راه دور آن را نقد می‌کند. بلکه فمینیست‌های پروتستان در قلب سنت‌های پروتستان ایستاده‌اند و در کنار برادران و خواهران پروتستان خود در تلاش برای تشخیص و درک معنای مسیحی مؤمن بودن هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک.: Rosemary Radford Ruether, 1983.
۲. جنبش مذهبی مسیحی قرن ۱۶ که به دنبال اصلاح کلیسای کاتولیک روم بود و به ایجاد آیین پروتستان انجامید (م.).
۳. از باب مثال نک.: تفسیر کالون در کتاب اول قرنیتان ۱۱: ۸ و اول تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۴ در: Calvin, 1988. مجلدات محل بحث عبارت‌اند از: رساله اول سنت پولس به قرنیتان، ترجمه جی. دبلیو. فریزر (J. W. Fraser) و دوم قرنیتان، تیموتی، تیتوس، فیلمون، ترجمه تی. ای. اسمیل (T. A. Smail).
۴. اصلاح‌طلب مذهبی و متکلم بنیادگرای فرانسوی که از رهبران سرشناس فرقه پروتستان به حساب می‌آمد (م.).
۵. کشیش متجدد و مترجم انجیل به زبان آلمانی و اصلاح‌طلب مذهبی؛ او از تأثیرگذارترین شخصیت‌ها در تاریخ آیین مسیحیت و از پیشوایان نهضت اصلاحات پروتستانی به شمار می‌رود (م.).
۶. برای خوانش فمینیستی دقیق‌تر از انسان‌شناسی الاهیاتی لوتر و کالون، نک.: Rosemary Radford Ruether, 1988: 117-126.
۷. آموزه‌ای الاهیاتی که برخی فرقه‌های مسیحی پروتستان برگزار می‌کنند و کتب مقدس مسیحیان را تنها منبع قدرتمند ایمان و عمل مسیحیان می‌دانند (م.).
۸. نانسی جی. داف (Nancy J. Duff, 1997: 69-81) این مطلب را به‌زیبایی توضیح می‌دهد.

۹. آناباتیست‌ها، از ریشه یونانی به معنای «تعمید دوباره» از فرقه‌های افراطی پروتستان در قرن ۱۶ هستند که به غسل تعمید در بزرگسالی معتقد بودند و تعمید دوره کودکی را بی‌ارزش می‌دانستند. تأسیس جوامعی آرمانی را آرزو داشتند. گروه‌های آناباتیست به سرعت در شمال اروپا، به‌ویژه آلمان، پراکنده و بسیاری از آنها سرکوب شدند (م.).
۱۰. این نکته را جین دمپسی داگلاس (Jane Dempsey Douglass, 1985) بیان، و به طور قانع‌کننده‌ای مستدل کرده است.
۱۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نک: Mary Ann Tolbert, 1989.
۱۲. در تاریخ کلیسای انگلیسی، ناهمنوا، مسیحی پروتستانی است که با حکومت و شیوه‌های استفاده از کلیسای تأسیس شده، کلیسای انگلستان (کلیسای انگلیکن) مطابقت ندارد (م.).
۱۳. گریوز (Greaves, 1985: 83) اشاره می‌کند که حتی در کلیساهای ناهمنوا، زنان از فعالیت‌هایی مانند انتخاب کشیش یا تکفیر «اعضای نافرمان» محروم بودند.
۱۴. Sojourner Truth, "Ain't I A Woman?" بازنشر در: Schneir, 1972: 95, citing from *History of Woman Suffrage*, vol 1, Rochester, NY: 1881
۱۵. Sarah M Grimké, "Letters on the Equality of the Sexes and the Condition of Women," بازنشر در: Schneir, 1972: 40, citing from *Letters on the Equality of the Sexes and the Condition of Women*, New York: Burt Franklin, 1970
۱۶. عمل سرزنش کردن از طریق کوچک‌شمردن، کم‌ارزش شدن یا بی‌اعتبار کردن خود، یا بیش از حد متواضع بودن، که می‌تواند در شوخ‌طبعی و از بین بردن تنش استفاده شود (م.).
۱۷. این اصطلاحی است که ریتا ناکاشیما براک (Rita Nakashima Brock, 1988) استفاده کرده است.
۱۸. منتشرشده در: Dictionary of Feminist Theologies, 1996, edited by Letty M. Russell and Shannon Clarkson که شامل کتاب‌شناسی جامع از آثار فمینیستی کاتولیک رومی و پروتستان است.
۱۹. فرقه اصلی پروتستان در ایالات متحده که به دلیل مواضع نسبتاً مترقی‌شان در خصوص دکتربین شناخته می‌شوند. ریشه نام کلیساهای پرسبیتری از روش مشایخی مدیریت کلیسا گرفته شده است، روشی که در آن کلیسا را مجامعی اداره می‌کند که نماینده ریش‌سفیدان‌اند. عقیده این فرقه به نگاه متفاوت در رابطه دینی است که آن را با دید اجتماعی می‌نگرند و به نسبت عملگرا به شمار می‌آیند (م.).
۲۰. کنوانسیون باپتیست جنوبی که در ایالات متحده برگزار می‌شود، از باب مثال زنان با شوهرانشان برابرند، حتی اگر تسلیم آنها باشند.

منابع

- Bednarowski, Mary Farrell (1993). Outside the Mainstream: Women's Religion and Women Religious Leaders in Nineteenth-Century America. In Martin Marty (ed.), *Modern American Protestantism and its World: Historical Articles on Protestantism in American Religious Life*, 12: Women and Women's Issues. Munich: Saur, pp. 68–91.
- Blaisdell, Charmarie Jenkins (1985). The Matrix of Reform: Women in the Lutheran and Calvinist Movements. In Richard Graves (ed.), *Triumph Over Silence: Women in Protestant History*. Westport, CT: Greenwood Press, pp. 13–44.
- Book of Confessions (1994). In *The Constitution of the Presbyterian Church (USA)*. Louisville, KY: Office of the General Assembly.
- Brock, Rita Nakashima (1988). *Journeys By Heart: A Christology of Erotic Power*. New York: Crossroad.
- Brock, Rita Nakashima and Parker, Rebecca Ann (2001). *Proverbs of Ashes: Violence, Redemptive Suffering, and the Search for What Saves Us*. Boston: Beacon Press.
- Calvin, John (1960). *Institutes of the Christian Religion*, ed. John T. McNeill, trans. Ford Lewis Battles, vol. XX of the *Library of Christian Classics*. Philadelphia: The Westminster Press.
- Calvin, John (1988). *Calvin's New Testament Commentaries: A New Translation*, David W. Torrance and Thomas F. Torrance (eds.). Grand Rapids, MI: Eerdmans.
- Cannon, Katie Geneva (1988). *Black Womanist Ethics*. Atlanta, GA: Scholars Press.
- Chopp, Rebecca (1995). *Saving Work: Feminist Practices of Theological Education*. Louisville, KY: Westminster/John Knox Press.
- Chung, Hyun Kyung (1990). *Struggle to Be the Sun Again: Introducing Asian Women's Theology*. Maryknoll, NY: Orbis.
- Daly, Mary (1973). *Beyond God the Father: Toward a Philosophy of Women's Liberation*. Boston: Beacon Press.
- Douglass, Jane Dempsey (1985). *Women, Freedom, and Calvin*. Philadelphia: Westminster Press.
- Duff, Nancy J. (1997). Vocation, Motherhood, and Marriage. In Jane Dempsey Douglass and James F. Kay (eds.), *Women, Gender, and Christian Community*. Louisville, KY: Westminster/John Knox Press.

- Gifford, Carolyn DeSwarte (1993). *Sisterhoods of Service and Reform: Organized Methodist Women in the Late Nineteenth Century. An Essay on the State of the Research*. In Martin Marty (ed.), *Modern American Protestantism and its World: Historical Articles on Protestantism in American Religious Life, 12: Women and Women's Issues*. Munich: Saur, pp. 174–89.
- Greaves, Richard L. (ed.) (1985). *Women in Early English Nonconformity*. In Richard L. Greaves (ed.), *Triumph Over Silence: Women in Protestant History*. London: Greenwood Press, pp. 3–12.
- Hall, David (ed.) (1968). *The Antinomian Controversy, 1636–1638: A Documentary History*. Middletown, CT: Greenwood Press.
- Huber, Elaine C. (1993). *They Weren't Prepared to Hear: A Closer Look at The Women's Bible*. In Martin Marty (ed.), *Modern American Protestantism and its World: Historical Articles on Protestantism in American Religious Life, 12: Women and Women's Issues*. Munich: Saur, pp. 168–73.
- Isasi-Díaz, Ada Maria (1993). *En la lucha/In The Struggle: A Hispanic Women's Liberation Theology*. Minneapolis: Fortress Press.
- Keller, Catherine (1986). *From a Broken Web: Separation, Sexism and Self*. Boston: Beacon Press.
- Ludlow, Dorothy P. (1985). *Sectarian Women in England, 1641–1700*. In Richard L. Greaves (ed.), *Triumph Over Silence: Women in Protestant History*. London: Greenwood Press, pp. 93–123.
- McFague, Sallie (1993). *The Body of God: An Ecological Theology*. Minneapolis: Fortress Press.
- Moran, Gerald F. (1985). "The Hidden Ones": *Women and Religion in Puritan New England*. In Richard L. Greaves (ed.), *Triumph Over Silence: Women in Protestant History*. London: Greenwood Press, pp. 125–49.
- Oduyoye, Mercy (1995). *Daughters of Anowa: African Women and Patriarchy*. Maryknoll, NY: Orbis.
- Procter-Smith, Marjorie (1990). *In Her Own Rite: Constructing Feminist Liturgical Tradition*. Nashville: Abingdon Press.
- Ruether, Rosemary Radford (1983). *Sexism and God-Talk: Toward a Feminist Theology*. Boston: Beacon Press.
- Ruether, Rosemary Radford (1992). *Gaia and God: An Ecofeminist Theology of Earth Healing*. San Francisco: HarperCollins.

- Ruether, Rosemary Radford (1998). *Women and Redemption: A Theological History*. Minneapolis: Fortress Press.
- Russell, Letty (1974). *Human Liberation in a Feminist Perspective – A Theology*. Philadelphia: Westminster Press.
- Russell, Letty and Clarkson, Shannon (eds.) (1996). *Dictionary of Feminist Theologies*. Louisville, KY: Westminster/John Knox Press.
- Saiving, Valerie (1979). *The Human Situation: A Feminine View*. In Carol P. Christ and Judith Plaskow (eds.), *Woman spirit Rising: A Feminist Reader in Religion*. New York: Harper & Row, pp. 25–42.
- Schneir, Miriam (ed.) (1972). *Feminism: The Essential Historical Writings*. New York: Random House.
- Schüssler Fiorenza, Elizabeth (1993). *In Memory of Her: A Feminist Theological Reconstruction of Christian Origins*. New York: Crossroad.
- Scott, Anne Firor (1993). *On Seeing and Not Seeing: A Case of Historical Invisibility*. In Martin Marty (ed.), *Modern American Protestantism and its World: Historical Articles on Protestantism in American Religious Life, 12: Women and Women's Issues*. Munich: Saur, pp. 18–32.
- Sprunger, Keith L. (1985). *God's Powerful Army of the Weak: Anabaptist Women of the Radical Reformation*. In Richard L. Greaves (ed.), *Triumph Over Silence: Women in Protestant History*. London: Greenwood Press, pp. 45–74.
- Stanton, Elizabeth Cady ([1895] 1993), *The Women's Bible*. Boston: Northeastern University Press.
- Tamez, Elsa (2002). *The Amnesty of Grace: Justification by Faith from a Latin American Perspective*. Eugene, OR: Wipf & Stock.
- Tappa, Louise (1988). *The Christ-Event: A Protestant Perspective*. In Virginia Fabella and M. A. Oduyoye (eds.), *With Passion and Compassion: Third World Women Doing Theology*. Maryknoll, NY: Orbis, pp. 30–4
- Tolbert, Mary Ann (1989). *Protestant Feminists and the Bible: On the Horns of a Dilemma*. *Union Seminary Quarterly Review* 43 (1–4): 1–17.
- Trible, Phyllis (1978). *God and the Rhetoric of Sexuality*. Philadelphia: Fortress Press.
- Williams, Delores (1993). *Sisters in the Wilderness: The Challenge of Womanist God-Talk*. Maryknoll, NY: Orbis